

عنوان مقاله:

سنخ شناسی و بررسی الگوهای ساختاری تیپ ابلهان در قصه های عامیانه طنزآمیز ایرانی

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 9، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

ابوالفضل حری - استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک

خلاصه مقاله:

این جستار، الگوهای ساختاری تیپ احمقان/ ابلهان را در قصه های عامیانه طنزآمیز ایرانی سنخ شناسی و بررسی می کند. از میان قصه های عامیانه، تیپ احمقان، از جمله تیپ های مهم در میان قصه های شوخی است که آرنه، تامپسون، مارزولف، و آتر گرد آورده و از 1200 تا 1999 دسته بندی کرده اند. این تیپ قصه ها، ویژگی های ساختاری و سنخی خاص خود را دارند. برای نیل به این ویژگی ها، پیکره دادگانی از کتاب مارزولف (1377) انتخاب، و تیپ هر قصه بر اساس نقش معرف کنش و کنش موجد نقش در قالب سه کارکرد ویژه/خویشکاری سنخ شناسی و بررسی و تحلیل شد و الگوهای ساختاری آنها استخراج گشت. بر این اساس، تیپ ابلهان، واحد خودبنیادی تعریف شد که در آن کارکرد ویژه ابلهان از همنشینی نقش و کنش حاصل می آید بدین معنا که کنش های تیپ احمق معرف نقش ابلهانه او در قصه ها، و متقابلاً، منبعث از نقش ابلهانه اوست که از مجموعه کنش های ابلهانه حاصل می آید. همچنین، دو الگوی ساختاری احمق در مقام کارگزار (با خود و دیگری) و کارپذیر (با خود و دیگری) در قصه ها شناسایی شد. از جمله مهم ترین یافته ها یکی این است که قصه های ابلهان واحدهای خودبنیادی هستند که می توان آنها را بر اساس نقش معرف کنش و کنش معرف طنز دسته بندی و تحلیل کرد.

کلمات کلیدی:

سنخ شناسی، الگوی ساختاری، تیپ احمقان، قصه های عامیانه، کارکرد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1127446>

